

## پیش‌خواب

نظر و گذری بر اثر تاریخی-روایی «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت‌الله سیدحبیب‌الله طاهری گرگانی»

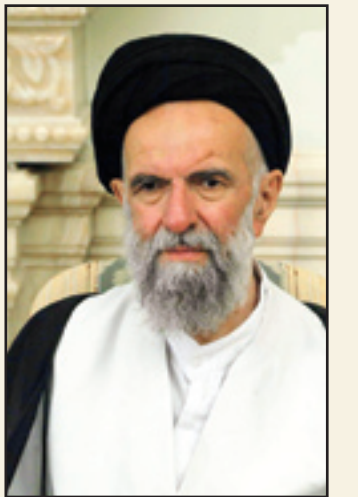
### نمادی از تبلیغ مؤثر اندیشه‌های دینی و انقلابی

■ شاهد توحیدی



عالم مجاهد و پرتلاش زنده ی یاد آیت‌الله سید حبیب‌الله طاهری گرگانی، از نمادهای تبلیغ مؤثر اندیشه‌های ناب دینی و انقلابی، در استان گلستان به شمار می‌رفت. او در طول مدت حیات خویش، توانست بسا مردم و جوانان حق طلب را مجذوب سازد و به آنان طریق زیست دینی را بیاموزد. شمه‌ای از این تلاش مؤثر و زمان آگاهانه‌را، در اثر تاریخی روایی «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت‌الله سید حبیب‌الله طاهری گرگانی» می‌توان به مطالعه نشست. این مجموعه توسط غلامرضا خرکویی به نگارش درآمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در این باره‌شناسی و معرفی شخصیت‌هایی که سال‌های

عمر خود را به تاریخ مبارزات اسلامی مردم قهرمان ایران به رهبری امام خمینی(ره) گره زده و نقش بسزایی در پیروزی آن داشته‌اند، از جمله وظایف مورخین انقلاب اسلامی است. خصوصاً آنان که علاوه بر سوابق درخشان پیش از انقلاب اسلامی، در نگهداری و استمرار آن نیز کوشیده‌اند و با دشمنان بیرونی و درونی این نهسال نویا، به مبارزه پرداخته‌اند. یکی از یاران راستین امام و نهضت اسلامی مردم ایران، مرحوم آیت‌الله سید حبیب‌الله طاهری است که با داشتن سوابق درخشان علمی و معنوی، در راه



زنده یاد آیت‌الله سید حبیب‌الله طاهری گرگانی

دفاع از دین اسلام و مکتب تشیع و مبارزه با رژیم پهلوی، زندان، شکنجه و تبعید را به جان خرید و تا پایان عمر شریفش نیز در این راه ثابت قدم ماند. آیت‌الله طاهری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مبارزه با نفاق پیچیده منطقه، توسط گروه‌های ضد انقلاب به درجه رفیع جانبازی نائل آمده بود، بارها و بارها برای دفاع از کبان اسلامی راهی جبهه‌های دفاع مقدس شد و در این راه، فرزند پرورش شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد طاهری را نیز تقدیم انقلاب اسلامی کرد. او زعامت بخش عظیمی از مردم استان گلستان را داشت و در همین راستا، سه دوره به عنوان نماینده مجلس خیرگان برگزیده شد که در تصویب اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی، کوشش ارزنده‌ای نمود. مدرسه و مسجد آن بزرگ، همواره پایگاهی برای علاقمندان به اسلام و انقلاب بود و در همه جا، به ارشاد و ترویج ارزش‌های دینی می‌پرداخت. او حافظ قرآن، مجتهدی زمان شناس و مجاهدی خستگی ناپذیر بود. پیاده، روی‌های زیارتی آن مرحوم از قم به جَمکسران و از نجف اشرف به کرپلای مَلاو و بالعکس و نیز از گرگان به مشهد مقدس، گویای عمق عشق و ارادتش به اهل بیت رسول‌الله(ص) است. این ویژگی‌ها و دهه‌ها نکته مؤثر ناگفته در ایجاد دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وی، نشانگر برجستگی این شخصیت بزرگ در استان گلستان و حتی کشور است. با توجه به نقش تأثیرگذار مرحوم آیت‌الله سید حبیب‌الله طاهری گرگانی در استان گلستان، مرکز اسناد با افتخار تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آن عالم مجاهد، خدم و بزرگاپو را تقدیم به پژوهشگران و علاقمندان به نظام جمهوری اسلامی می‌کند و امید می‌برد که این نمادهای حق طلبی و مجاهدت، الگوی همگان به ویژه جوانان عزیز ایران اسلامی قرار گیرد…»

■ **نیما احمدپور**

۴۴ سال از اقامه نخستین نماز جمعه تهران، به امامت عالم مجاهد زنده یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی سپری گشت. اهمیت این رویداد تاریخی، می‌تلبد که در یاب زمینه‌ها و چند پی‌آمده، خاطرات برخی نزدیکان نخستین امام جمعه تهران در این باره، مورد خوانش تحلیلی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقمندان را مفید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ **طالقانی و بهایی که برای نماز جمعه قائل بود**

به شهادت اسناد و شواهد، زنده یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی از دیرباز، در درس‌های تفسیر خود به تبیین اهمیت نمازجمعه می‌پرداخت، چه اینکه آن را پایگاهی مهم برای اسلام اجتماعی قلمداد می‌کرد. از سوی دیگر پیش‌تر چه در زندان و چه در خارج از آن، به اقامه نماز جمعه مبادرت ورزیده بود. سرانجام با پیگیری‌های وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقامه نماز جمعه از تهران آغاز شد و به سایر نقاط کشور تسری یافت. در یادداشتی بر تارنمای «طالقانی و زمانه ما»، چنین می‌خوانیم:

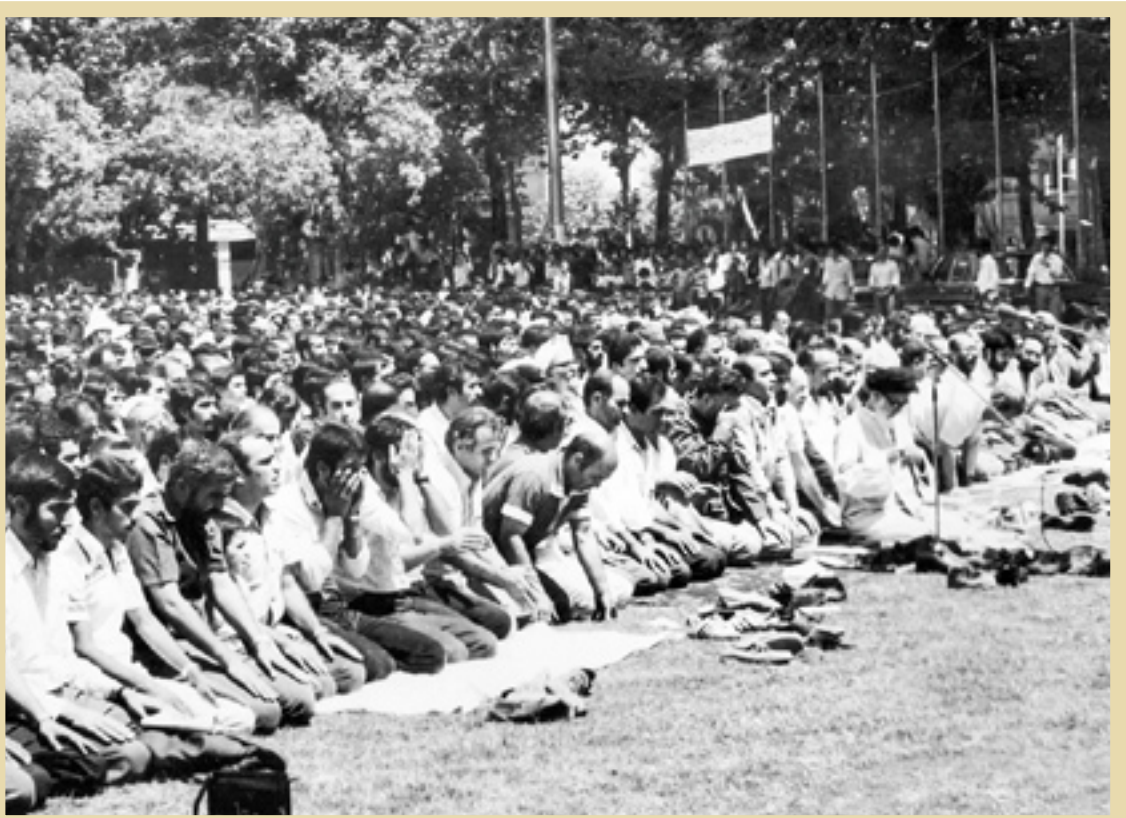
«آیت‌الله طالقانی به نماز جمعه توجهی ویژه داشت و بارها در مسجد هدایت، از اهمیت آن سخن گفته بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برای برگزاری نماز جمعه در مسجد جامع نارمک بود. بنابر این شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیشنهاد کرد سنت نماز جمعه احیا شود. با موافقت امام خمینی(ره) با این امر، امامان جمعه در سراسر کشور منصوب شدند و طالقانی نیز به عنوان امام جمعه تهران، نمازهای باشکوهی را در دانشگاه تهران، با حضور جمع زیادی از مردم اقامه کرد. آخرین نماز جمعه به امامت او نیز در بهشت زهرای تهران برگزار شد. در پنجم مرداد ماه ۱۳۵۸ برابر با دوم ماه رمضان، اولین نماز جمعه به امامت آیت‌الله طالقانی برگزار شد. براساس گزارش‌های موجود، بیش از یک میلیون نفر از مردم برای اقامه این نماز حضور یافتند و استقبال به حدی بود که حوالی ساعت ۱۱ صبح، راهیایی به محل برگزاری نماز دشوار شده بود. حضور مسئولان سیاسی و مذهبی کشور و خبرنگاران داخلی و خارجی از اهمیت این رویداد حکایت می‌کرد. آیت‌الله طالقانی در خطبهٔ اول نماز جمعه، ضمن اشارهٔ مختصر به تاریخچه برگزاری اولین نماز جمعه در زمان پیامبر اسلام، نماز جمعه را صف به هم پیوسته همه مسلمانان در سراسر جهان خواند و در ادامه با اشاره به ناآرامی‌های کشور، همگان را به وحدت فرا می‌خواند. او به انتخابات مجلس خیرگان قانون اساسی نیز پرداخت و با انتقاد از کسانی که معتقدند آزادی در انتخابات نیست، حضور همه اقتدار و مخالفان را در انتخابات را مورد تأکید قرار داد. طالقانی در خطبه دوم با بیان اینکه سرنوشته ما به سرنوشته دیگر ملل تحت ستم پیوند خورده است، برای همه این ملت‌ها به خصوص ملت فلسطین آرزوی پیروزی کرد…»

■ **به آقا سید محمود بگویند که پس فردا نماز جمعه را بخوانند!**

شاید بتوان گفت که موفق‌ترین روایت در باب ابلاغ

## تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



درداد ۱۳۵۸، دانشگاه تهران، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در حاشیهٔ اقامه نماز جمعه تهران

**اولین نماز جمعه تهران به امامت مردی که خود یک تاریخ بود!**

# امام (ره) با خوشحالی فرمود عجب نماز جمعه‌ای شد!

حکم امام خمینی به آیت‌الله سیدمحمود طالقانی برای اقامه نماز جمعه تهران، دکتر احمد جلالی مجری سلسله برنامه‌های با قرآن در صحنه است. وی که در آن لحظه در محضر آیت‌الله حضور داشت، ماقوع را اینگونه به تاریخ گزارش کرده است:

«شب اول ماه رمضان سال ۵۸ و شب پنج‌شنبه سوم مرداد بود و من نماز مغرب را، پشت سر مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی به جا آورده بودم و داشتم در سکوت اتاق به مردی نگاه می‌کردم که خود به تنهایی یک تاریخ بود و تمام کرامت انسانی وطن و تاریخ معاصر را می‌شد با نام او و مقاومت شگفت‌انگیزش مرور کرد! سکوت بود و شکوه آن مرد بزرگ که با فروتنی تمام، تعقیبات نماز را به جا می‌آورد. تلفن زنگ زد و من برای اینکه رشته تفکر آقا پاره نشود، گوشی را برداشتم و بلافاصله صدای مرحوم حاج احمدآقا را شنیدم که پرسید: آقای طالقانی تشریف دارند؟ گفتم: بله، ولی سر نماز هستند. احمدآقا گفت: چه خوب که شما هم آنجا هستید، چون همین الان آقا گفتند: به آقا سیدمحمود بگویند که پس فردا نماز جمعه بخوانند، شما هم همین امشب در تلویزیون بگویند که اعلام کنند، خودتان هم کار را دست بگیرید تا قضیه جا بیفتد. من با حیرت، گوشی را به دست آقای

طالقانی دادم البته حرف‌های احمدآقا نمی‌شنیدم، ولی حرف‌های آقای طالقانی را می‌شنیدم که می‌گفتند: من بیمار، خسته‌ام، یادرد دارم، به آقا بفرمایید حداقل مهمتی، فرصتی، پس فردا که نمی‌شود، این جور کارها برنامه می‌خواهد، تدارکات می‌خواهد. بعد هم متواضعانه چند نفری را برای این کار پیشنهاد کردند، ولی حاج احمدآقا اصرار داشت که آقا فرمودند: فقط باید آقای طالقانی این کار را هستند. بگرد! آقا گوشی را که گذاشتند، دیدم سخت نگران باید آماده بود، اول از همه باید جا و مکانی را معین کرد، بعد هم باید مردم را آماده کرد، در این فرصت کوتاه شدنی نیست. همان موقع این فکر به ذهن رسید و عرض کردم: آقا دانشگاه تهران خیلی خوب است، هم جای باصفایی است، هم مرکزیت دارد، هم منعاست، چون شما خودتان در امر اتصال مسجد و دانشگاه به هم، پیشتاز و پیشکوت هستید. چه بهتر از اینکه نماز در دانشگاه خوانده شود، مگر شما خودتان یک عمر چنین آرزویی نداشتید؟ نگران نباشید، من از امکانات تلویزیون استفاده و تدارکات را آماده می‌کنم…»

■ **امام با خوشحالی فرمود: عجب نمازی شد!**
آیت‌الله طالقانی از لحظه دریافت فرمان امام خمینی مبنی بر اقامه نماز جمعه تهران، تدارکات آن را به دکتر احمد جلالی سپرد. وی با استفاده از رسانه ملی و اطلاع به مردم درباره برگزاری این عهده داشت. او نیز در عداد کسانی است که اولین مراسم نماز جمعه تهران را در اقامه این آیین برقرار کرد. روایت چهبور دربارہ آن خوبا شود. دیدگاه رهبر انقلاب، بسیار مثبت بود:

«به مرحوم آقای اشراقی داماد امام تلفن زدم و خواهش کردم، از امام بخواهند فتوای شرعی صادر کنند، تا مردم بر اساس آن به نماز جمعه بیایند. ایشان نیم ساعت بعد به من تلفن زدند و گفتند: امام فرمودند نیازی به فتوای من نیست، نفس انتصاب آقای طالقانی به امامت نماز جمعه کافی است که نماز جمعه بگیرد! واقعا هم همین طور شد. صحن دانشگاه و خیابان‌های اطراف دانشگاه، تا بلوار کشاورز و بخش‌های پارک لاله، مملو از جمعیت بود. این مراسم توسط بالگرد فیلمبرداری و شب از تلویزیون پخش شد. روز شنبه به قم رفتم تا از حاج احمدآقا بپرسم که ترتیبات نماز جمعه و پخش آن رضایت امام را جلب کرده است یا نه؟ حاج احمدآقا گفت: دیشب آقا خطبه‌های نماز جمعه را با دقت تماشا کردند و وقتی تصاویر هوایی از نماز جمعه نشان داده شد، با خوشحالی فرمودند: عجب نمازی شد! با شنیدن این جمله، تمام خستگی‌ها و نگرانی‌های چند روز گذشته از تن و جانم بیرون رفت. سنت پخش خطبه‌های نماز جمعه از تلویزیون، از آن موقع شروع شد…»

■ **کسی باور نمی‌کرد که چنین جمعیت عظیمی در اولین نماز جمعه حضور پیدا کند**
سیدمهدی طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی، سرپرست تیمی بود که انتظامات نماز جمعه تهران را در دوره امامت جماعت پدر بر عهده داشت. وی هر هفته آیت‌الله را برای اقامه نماز به دانشگاه تهران می‌برد و بر حفاظت از وی نظارت دقیق داشت. او نیز در باب شرایط برگزاری اولین نماز جمعه تهران، روایتی به ترتیب وی آمده دارد:

دعای وحدت قرائت گشت، چنانکه خود در این باره گفته است:
«روز چهارشنبه سوم مرداد سال ۵۸، رادیو اعلام کرد، نماز جمعه تهران توسط آیت‌الله طالقانی در دانشگاه اقامه خواهد شد. جمعه صبح زود، برای اقامه نماز به دانشگاه تهران رفتم. کسانی آنجا بودند که افکار التقاطی داشتند و اجازه نمی‌دادند که من در آنجا مکتب نماز باشم. داماد آقای طالقانی به آن افراد گفتند: اگر کسی غیر از مرضایی‌فر برنامه را اجرا کند، آقای طالقانی ناراحت خواهند شد! نماز در زمین چمن بود و مردم خیلی زودتر آمده بودند و صفوف را تشکیل داده بودند. چون سخنرانی قبل از خطبه‌ها نبود ابتدا قرآن خواندم و اذان گفتم. بعد آقای طالقانی خطبه‌ها را نسبتاً کوتاه ایراد کردند. در خطبه‌ها اشاره‌ای به اهمیت نماز جمعه در اسلام و شرایط برگزاری آن نمودند. ماه مبارک رمضان بود و در میانه تابستان گرما بیداد می‌کرد و به همین جهت، خطبه‌ها را خیلی سریع خواندند. فکر کرده بودم چه تمثیلی بعد از نماز بخوانم که هم با شرایط آن روز انقلاب هماهنگ و هم وحدت آفرین باشد. یادم آمد حضرت رسول‌الله(ص) وقتی که با سپاه اسلام برای آزادی مکه حرکت کردند، پشت دروازه‌های مکه این دعا را خواندند: لا اله الاالله، اله واحد و نحن له مسلمون… آن دعا را خواندم و خیلی هم به جا به نظر می‌آمد. گفتم: دست‌ها را در دست یکدیگر می‌دهیم و دعای وحدت می‌خوانیم و خودم هم دعا را محکم می‌خواندم و با حرکات دست، سعی می‌کردم به شور جمعیت اضافه کنم. اکنون نیز در تمام جهان اسلام هر کجا که می‌خواهند بگویند ما انقلابی هستیم، این دعا را می‌خوانند. نکته جالب در برگزاری اولین نماز جمعه این بود که حضرت آیت‌الله طالقانی پیش از اقامه نماز، من فرمودند: آقا محمود، من سوره جمعه را از بر دارم، با این همه کمک است به هنگام قرائت نماز، برخی آیات را فراموش کنم، قرآن به دست داشته باش و هر جا که من یادم رفت، به خیرم بیاور! من نیز به فرمایش ایشان عمل کردم در فیلم آن روز هم مشخص است…»

■ **اگر صف نماز جمعه محکم شد، دیگر جای برای نفوذ استعمار نخواهد ماند**
زنده یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در اولین خطبه نماز جمعه خود در پنجم مرداد ۱۳۵۸، به تبیین مکاتب الوالی این نماز در اسلام پرداخت. او در سخنرانی حماسی خویش، تقیید صفوف نماز جمعه را مانع از نفوذ استعمار دانست و تأکید ورزید:

«امروز که طاغوت‌ها و طاغوت ما و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است، باید ما همه با برادران ما در شهرها، قسبات و اطراف آنها، همان طوری که امام، امام خمینی، خواستند، این صف (نماز جمعه) را تشکیل بدهند. یعنی این صفی که اکنون در یک گوشه تهران، با نبودن وسایل، با پیش‌بینی نکردن از جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همهٔ کشور شیعه و هندو اسلامی ما و با همهٔ برادران شیعه و سنی ما، باید ارتباطشان را محکم کنند و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در حقه ما بیان شده است، آن را اقامه کنند. این صفی است که در داخل و بیرون مرزهای ایران ما، به هم باید پیوسته شود. این حلقه‌ای که سست شده بود، باید با دیگر کشورهای اسلامی پیوسته شود. این چه قدرتی است؟ این می‌تواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهران، در این ماه مبارک رمضان، زبان‌های تشنه و شکم‌های گرسنه، با نبودن وسایل و جا، چندین ساعت به انتظار نماز جمعه اسلامی ما و با همهٔ برادران شیعه و سنی ما، نشست‌اید. این فرمان روزه که فرمان ایمانی است. کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری غیر از رهبرهای اسلامی، چنین فرمانی و چنین اطاعتی را می‌توانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند؟ با همه کارشکنی‌های استعمار، استبدادهای داخلی، این صف از همان وقتی که رسول خدا اقامه کرد، تا امروز برپاست. همین صفی که امروز نشست‌اید، به طرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال آفریقا و اواسط آفریقا، این صف شما متصل است. مسلمان‌ها، شما قوی‌ترین امت دنیا هستید. چون متکی به حق و یک صف هستید، کدام کشور، کدام بلوک، کدام مکتب، دارای چنین صفی است؟ اطراف شرق بروید، پاکستان، افغانستان، اندونزی، هندوستان این امت متصل است و چشم به هم بگذارد و چشم دیده و باطن خودتان را باز کنید، ببینید چه صف قوی‌ای ما داریم. چنین صفی را با پول و بارشوه و با فریب، نمی‌توان فراهم کرد. جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی. همین است، دشمن‌های ما را مرعوب می‌کند. همین صف، همین صف است که دشمن‌های زخم‌خورده ما، برای اینکه این صف را قطع کنند و متلاشی کنند یک صف عظیم ثروت‌های مادی و معنوی، عرفانی، هوشیاری، عالی‌ترین فلسفهٔ انسانی و حیاتی در هر روز بهانه‌جویی می‌کنند، از همین نگرانند. اگر این صف محکم شد، گسترده‌تر شد، پیوسته‌تر شد، دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرب و مکتب‌های دیگری نمی‌گذارد. این صف عظیم توحید است. صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است…»

## روزنامه جوان | شماره ۶۸۱۴

دعای وحدت قرائت گشت، چنانکه خود در این باره گفته است:

«روز چهارشنبه سوم مرداد سال ۵۸، رادیو اعلام کرد، نماز جمعه تهران توسط آیت‌الله طالقانی در دانشگاه اقامه خواهد شد. جمعه صبح زود، برای اقامه نماز به دانشگاه تهران رفتم. کسانی آنجا بودند که افکار التقاطی داشتند و اجازه نمی‌دادند که من در آنجا مکتب نماز باشم. داماد آقای طالقانی به آن افراد گفتند: اگر کسی غیر از مرضایی‌فر برنامه را اجرا کند، آقای طالقانی ناراحت خواهند شد! نماز در زمین چمن بود و مردم خیلی زودتر آمده بودند و صفوف را تشکیل داده بودند. چون سخنرانی قبل از خطبه‌ها نبود ابتدا قرآن خواندم و اذان گفتم. بعد آقای طالقانی خطبه‌ها را نسبتاً کوتاه ایراد کردند. در خطبه‌ها اشاره‌ای به اهمیت نماز جمعه در اسلام و شرایط برگزاری آن نمودند. ماه مبارک رمضان بود و در میانه تابستان گرما بیداد می‌کرد و به همین جهت، خطبه‌ها را خیلی سریع خواندند. فکر کرده بودم چه تمثیلی بعد از نماز بخوانم که هم با شرایط آن روز انقلاب هماهنگ و هم وحدت آفرین باشد. یادم آمد حضرت رسول‌الله(ص) وقتی که با سپاه اسلام برای آزادی مکه حرکت کردند، پشت دروازه‌های مکه این دعا را خواندند: لا اله الاالله، اله واحد و نحن له مسلمون… آن دعا را خواندم و خیلی هم به جا به نظر می‌آمد. گفتم: دست‌ها را در دست یکدیگر می‌دهیم و دعای وحدت می‌خوانیم و خودم هم دعا را محکم می‌خواندم و با حرکات دست، سعی می‌کردم به شور جمعیت اضافه کنم. اکنون نیز در تمام جهان اسلام هر کجا که می‌خواهند بگویند ما انقلابی هستیم، این دعا را می‌خوانند. نکته جالب در برگزاری اولین نماز جمعه این بود که حضرت آیت‌الله طالقانی پیش از اقامه نماز، من فرمودند: آقا محمود، من سوره جمعه را از بر دارم، با این همه کمک است به هنگام قرائت نماز، برخی آیات را فراموش کنم، قرآن به دست داشته باش و هر جا که من یادم رفت، به خیرم بیاور! من نیز به فرمایش ایشان عمل کردم در فیلم آن روز هم مشخص است…»

■ **اگر صف نماز جمعه محکم شد، دیگر جای برای نفوذ استعمار نخواهد ماند**

زنده یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در اولین خطبه نماز جمعه خود در پنجم مرداد ۱۳۵۸، به تبیین مکاتب الوالی این نماز در اسلام پرداخت. او در سخنرانی حماسی خویش، تقیید صفوف نماز جمعه را مانع از نفوذ استعمار دانست و تأکید ورزید:

«امروز که طاغوت‌ها و طاغوت ما و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است، باید ما همه با برادران ما در شهرها، قسبات و اطراف آنها، همان طوری که امام، امام خمینی، خواستند، این صف (نماز جمعه) را تشکیل بدهند. یعنی این صفی که اکنون در یک گوشه تهران، با نبودن وسایل، با پیش‌بینی نکردن از جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همهٔ کشور شیعه و هندو اسلامی ما و با همهٔ برادران شیعه و سنی ما، باید ارتباطشان را محکم کنند و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در حقه ما بیان شده است، آن را اقامه کنند. این صفی است که در داخل و بیرون مرزهای ایران ما، به هم باید پیوسته شود. این حلقه‌ای که سست شده بود، باید با دیگر کشورهای اسلامی پیوسته شود. این چه قدرتی است؟ این می‌تواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهران، در این ماه مبارک رمضان، زبان‌های تشنه و شکم‌های گرسنه، با نبودن وسایل و جا، چندین ساعت به انتظار نماز جمعه اسلامی ما و با همهٔ برادران شیعه و سنی ما، نشست‌اید. این فرمان روزه که فرمان ایمانی است. کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری غیر از رهبرهای اسلامی، چنین فرمانی و چنین اطاعتی را می‌توانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند؟ با همه کارشکنی‌های استعمار، استبدادهای داخلی، این صف از همان وقتی که رسول خدا اقامه کرد، تا امروز برپاست. همین صفی که امروز نشست‌اید، به طرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال آفریقا و اواسط آفریقا، این صف شما متصل است. مسلمان‌ها، شما قوی‌ترین امت دنیا هستید. چون متکی به حق و یک صف هستید، کدام کشور، کدام بلوک، کدام مکتب، دارای چنین صفی است؟ اطراف شرق بروید، پاکستان، افغانستان، اندونزی، هندوستان این امت متصل است و چشم به هم بگذارد و چشم دیده و باطن خودتان را باز کنید، ببینید چه صف قوی‌ای ما داریم. چنین صفی را با پول و بارشوه و با فریب، نمی‌توان فراهم کرد. جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی. همین است، دشمن‌های ما را مرعوب می‌کند. همین صف، همین صف است که دشمن‌های زخم‌خورده ما، برای اینکه این صف را قطع کنند و متلاشی کنند یک صف عظیم ثروت‌های مادی و معنوی، عرفانی، هوشیاری، عالی‌ترین فلسفهٔ انسانی و حیاتی در هر روز بهانه‌جویی می‌کنند، از همین نگرانند. اگر این صف محکم شد، گسترده‌تر شد، پیوسته‌تر شد، دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرب و مکتب‌های دیگری نمی‌گذارد. این صف عظیم توحید است. صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است…»